

ازدواج

مسأله 1 - با عقد ازدواج، زن و مرد با هم حلال می شوند و آن بر دو قسم است: 1- ازدواج دائم و همیشگی 2- ازدواج موقت که با شرایطی خاص، با تعیین مهر برای مدتی معین عقد زناشویی می بندند.

مسأله 2 - در عقد ازدواج دائم یا موقت، خواندن صیغه عقد لازم است و صیغه عقد را طرفین یا وکیل آنها می توانند بخوانند.

مسأله 3 - وکالت مرد از طرف زن، یا زن از طرف مرد، برای خواندن صیغه عقد، جایز است.

مسأله 4 - هرگاه زن و مردی به کسی وکالت داده اند تا صیغه عقد آنها را بخواند، تا زمانی که یقین نکنند که وکیل صیغه را خوانده است، بر یکدیگر حلال نمی شوند، ولی اگر وکیل مورد اعتماد باشد و بگوید عقد را خوانده ام، به گفته او اعتماد می کنند.

دستور خواندن صیغه عقد دائم

مسأله 5 - برای خواندن صیغه عقد دائم (با رعایت سایر شروط که بیان می گردد) کافی است که زن بگوید: «زَوْجَتُكَ نَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ» (یعنی: خود را به همسری تو درآوردم با مهری که معین شده) و مرد هم بعد از آن بگوید: «قَبِلْتُ التَّرْوِيجَ» (یعنی: قبول کردم این ازدواج را) و اگر دیگری را برای این کار وکیل کنند کافی است که وکیل زن بگوید: «زَوْجَتُ مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلَكَ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ» (یعنی: موکله خودم را به همسری موکل تو با مهر معلوم درآوردم) وکیل مرد نیز بگوید: «قَبِلْتُ التَّرْوِيجَ لِمُوَكَّلِي هَكَذَا» (یعنی: من نیز عقد ازدواج را همین گونه از طرف موکل خودم قبول کردم).

دستور خواندن صیغه عقد موقت

مسأله 6 - برای خواندن صیغه عقد موقت (با رعایت دیگر شرایط که بیان خواهد شد، و بعد از آن که مدت و مهر معین شد، کافی است که زن بگوید: «زَوْجَتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» (من خودم را به همسری تو در مدت معین با مهر معین درآوردم) مرد نیز بگوید:

«قَبِلْتُ» (قبول کردم) یا این که وکیل زن بگوید: «زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلَكَ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» (موکله خودم را به ازدواج موکل تو در مدت معین با مهر معین درآوردم) وکیل مرد نیز بگوید: «قَبِلْتُ لِمُوَكَّلِي هَكَذَا» (قبول کردم برای موکل خودم همین گونه).

شرایط عقد ازدواج

مسأله 7 - در عقد ازدواج شرایط ذیل باید رعایت شود:

1- در صورتی که طرفین بتوانند، باید صیغه عقد را به عربی صحیح بخوانند، و یا وکیلی را برگزینند که بتواند به صورت صحیح بخواند، ولی در صورتی که مرد و زن نتوانند صیغه را به نحوی که بیان شد بخوانند یا وکیلی با شرایط مذکور انتخاب کنند تا از طرف آنها بخواند، می توانند به زبان خود بخوانند، ولی باید جمله ای را بگویند که معنی همان صیغه عربی را داشته باشد.

2- کسی که صیغه عقد را می خواند باید قصد انشاء داشته باشد، یعنی قصدش این باشد که با گفتن این الفاظ، همسری در میان آن دو برقرار گردد، زن خود را همسر مرد قرار دهد و مرد این معنی را قبول کند، وکیل نیز باید قصد انشاء را داشته باشد.

3- کسی که صیغه عقد را می خواند باید عاقل و بالغ باشد هر چند از طرف دیگری وکیل باشد.

4- وکیلی که صیغه عقد را می خواند، در اجرای صیغه عقد باید زن و شوهر را معین کند.

5- زن و مرد باید از روی اختیار به ازدواج راضی باشند و کسی آنها را به ازدواج با یکدیگر مجبور نکرده باشد.

مسأله 8 - برای ازدواج با دختر باکره ای که از دیدگاه عرف، نمی تواند مصلحت خود را تشخیص دهد، موافقت خودش و پدرش یا جد پدری او لازم است؛ و دختری که بالغه و رشیده است، یعنی می تواند مصلحت خود را تشخیص دهد چنانچه باکره باشد، بنا بر احتیاط، با اجازه پدر یا جد پدری ازدواج نماید، ولی اگر همسر مناسبی برای دختر پیدا شود و پدر مخالفت کند، اجازه او شرط نیست و پدر یا دیگران نمی توانند او را مجبور کنند با شخص معینی ازدواج نماید. اگر به پدر یا جد پدری دسترسی نباشد و دختر هم احتیاج به ازدواج داشته باشد، اجازه پدر و جد پدری شرط نیست. اما اگر دختر قبلاً شوهر کرده و طلاق گرفته باشد، برای ازدواج مجدد، اجازه پدر و جد پدری لازم نیست.

عیوب فسخ نکاح

مسئله 9 - هرگاه مرد بعد از عقد متوجه بشود که زن او یکی از عیوب زیر را دارد، می تواند عقد را فسخ کند: **1- دیوانگی 2- بیماری جذام (خوره) 3- بیماری برص (پیسی) 4- کور بودن 5- شل بودن بطوری که آشکار باشد. 6- افضا شدن (یعنی مجرای بول و حیض او یکی شده باشد). 7- گوشت یا استخوان یا غده ای در او باشد که مانع نزدیکی شود.**

مسئله 10 - زن نیز می تواند در چند صورت عقد را فسخ کند: **1- دیوانه بودن شوهر 2- نداشتن آلت مردی 3- ناتوانی از نزدیکی جنسی 4- بیضه های او را کشیده باشند.** در صورتی که شوهر به بیماری جذام (خوره) یا برص (پیسی) مبتلا باشد و زن قبلاً نمی دانسته و بعد از عقد متوجه شده است، زن می تواند از شوهر جدا شود؛ ولی بنا بر احتیاط واجب، باید شوهر را راضی کنند تا زن را طلاق دهد و اگر راضی نشد، حاکم شرع باید حکم طلاق را بدهد.

مسئله 11 - بنا بر احتیاط واجب، اگر عیوب یاد شده در زن و مرد (که در مسائل فوق بیان شد)، در مدتی کوتاه - از دیدگاه عرف مردم - قابل معالجه باشد و هزینه ای برای معالجه زن بر شوهر تحمیل نشود و هزینه ای برای معالجه شوهر بر زن تحمیل نشود، باید صبر کنند و در صورت عدم معالجه با شرایط فوق، می توانند عقد را فسخ نمایند.

مسئله 12- هرگاه زن یا شوهر، پس از عقد ازدواج بفهمد که طرف مقابل دارای عیوب مذکور است و در عین حال با او همبستر شود و دخول انجام گیرد، حق فسخ عقد را از دست می دهد.

مسئله 13 - هرگاه به خاطر ناتوانی مرد از نزدیکی، زن عقد ازدواج را فسخ کند، شوهر باید نصف مهر او را بپردازد، ولی اگر به خاطر یکی دیگر از عیبهایی که گفته شد مرد یا زن عقد را به هم بزند اگر باهم نزدیکی نکرده باشند، پرداخت مهر بر مرد واجب نیست، ولی اگر نزدیکی کرده باشند، مرد باید مهر را بپردازد.

زنانی که ازدواج با آنان حرام است

مسئله 14 - ازدواج با زنانی که با انسان محرم هستند حرام است، مانند مادر، دختر، خواهر، مادر پدر، مادر مادر، عمه، خاله، عمه پدر، عمه مادر، خاله پدر، خاله مادر، دختر برادر، دختر خواهر، دختر پسر، دختر دختر، دختر پسر برادر، دختر پسر پسر برادر، دختر دختر برادر، دختر پسر برادر، دختر پسر خواهر، دختر پسر خواهر، دختر دختر خواهر، دختر دختر دختر خواهر، دختر پسر خواهر، زن پدر، مادر زن، زن پسر و دختر زن.

مسئله 15 - اگر مردی زنی را به عقد خود در آورد، هر چند با او نزدیکی نکرده باشد، مادر و مادر مادر آن زن و مادر پدر او هر چه بالا روند با آن مرد محرم می شوند، ولی دختر زن در صورتی به آن مرد حرام می شود که مرد با آن زن نزدیکی کرده باشد.

مسئله 16 - پدر و جدّ شوهر و پسر و نوه پسری و دختری شوهر، با زن او محرم هستند.

مسئله 17 - هرگاه زنی را برای خود عقد کند تا وقتی آن زن در عقد اوست نمی تواند با خواهر آن زن ازدواج کند، خواه عقد دائم باشد یا موقت، حتی بعد از طلاق مادام که در عده است، در صورتی که عده رجعی باشد (که شرح آن در کتاب طلاق خواهد آمد)، نمی تواند با خواهر او ازدواج کند، همچنین بنا بر احتیاط واجب، در عده متعه، خواه بعد از تمام شدن مدت باشد و یا بخشیدن مدت، تا زمانی که بعد از طلاق در عده است، نمی تواند با خواهر آن زن ازدواج نماید.

مسئله 18 - مرد نمی تواند بدون اجازه همسر خود، با خواهرزاده یا برادرزاده او ازدواج کند.

مسئله 19 - زن مسلمان نمی تواند با مرد غیر مسلمان ازدواج دائم یا موقت نماید. مرد مسلمان تنها در صورتی می تواند با زن اهل کتاب ازدواج کند که یا فرزندی به دنیا نیاورند، و یا اگر فرزندی از آنها متولد شد، پدر مطمئن باشد که فرزندش تحت تاثیر آن زن، غیر مسلمان نشود.

مسئله 20 - در ازدواج موقت باید مدت زمان و مقدار مهر تعیین شده باشد؛ در غیر این صورت، ازدواج باطل است.

مسئله 21 - مرد باید از نگاه کردن به بدن و موی سر نامحرم - بجز صورت و دستها تا مچ - اجتناب کند، همچنین بر زن واجب است بدن و موی خود را از نامحرم بپوشاند، ولی پوشانیدن صورت و دستها تا مچ واجب نیست.

مسئله 22 - نگاه کردن پزشک مرد به زن نامحرم برای معالجه در صورتی که ضرورت داشته باشد، جایز است.

مسئله 23 - نگاه کردن مرد به زنی که قصد دارد با او ازدواج کند به منظور آگاه شدن از حسن و عیب او، در صورت موافقت زن، جایز است.